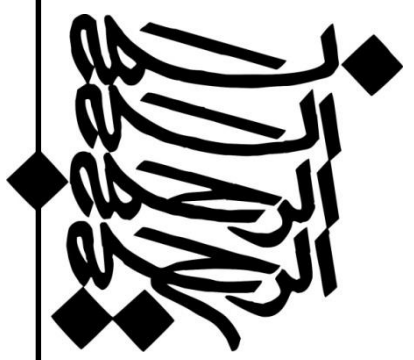




تحولات سیاسی اجتماعی ایران

(دوره پهلوی)

وبلاگ سیاس

Sayyas.blogfa.com

تحولات سیاسی اجتماعی ایران

عنوان درس به انگلیسی:

نام استاد ارائه‌دهنده: حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای مظاهری

تاریخ ارائه: ترم تابستانی ۱۳۹۳

مکان ارائه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه

تاریخ انتشار: شهریور ۱۳۹۳

شماره: ت ۱۲ / ۱۵

وبلاگ سیاسی

sayyas.blogfa.com

آدرس:

پست الکترونیک: sayyas@mihanmail.ir

- هرگونه استفاده، انتشار، کپی‌کردن، اسناد دهی، درج در سایت‌ها و دیگر وبلاگ‌ها با ذکر نام منبع (وبلاگ سیاسی) جایز می‌باشد.
- فروش این جزوه، شرعاً حرام می‌باشد.
- هرگونه تغییر شکل در محتوای ظاهری جزوه، جایز نمی‌باشد.

فهرست

پهلوی اول.....	۶
الف. روند روی کار آمدن رضاخان.....	۶
شکست مشروطه و تئوری استبداد منور.....	۸
ب. دین و دولت در عصر پهلوی.....	۱۱
۱. صفویه.....	۱۱
۲. قاجار پیش از مشروطه.....	۱۲
۳. قاجار پس از مشروطه.....	۱۲
۴. پهلوی.....	۱۳
ج. اقدامات رضاخان.....	۱۳
۱. تغییر و تحولات فرهنگی.....	۱۳
۲. تغییر و تحولات قضایی.....	۱۴
۳. تغییر و تحولات آموزشی.....	۱۴
پهلوی دوم.....	۱۵
مهم‌ترین مسائل پس از شهریور ۱۳۲۰.....	۱۵
اصول فعالیت نیروهای مذهبی پس از رضاخان.....	۱۶
مسئله نفت و نهضت ملی.....	۱۷
علل و عوامل اصلی افول نهضت نفت.....	۱۷
ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد.....	۱۸
جرقه‌های انقلاب.....	۱۸

پهلوی اول

الف. روند روی کار آمدن رضاخان

- شکست قرارداد ۱۹۱۹
- کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹
- سردار سپهی رضاخان
- نخست‌وزیری ۱۳۰۲
- افتتاح مجلس پنجم
- جمهوری‌خواهی قلابی^۱
- مجلس مؤسسان و خلع قاجار^۲

۱. از اواخر ۱۳۰۲ ش. زمزمه‌هایی مبنی بر بی‌لیاقتی شاهان قاجار و لزوم تغییر رژیم سیاسی ایران از سلطنت به جمهوری در محافل و مطبوعات وابسته به سردار سپه درگرفت. رضاخان ظاهراً می‌کوشید با تقلید از ترکیه که اندکی پیش رژیم سلطنتی را ملغا و جمهوریت اعلام کرده بود، در ایران نیز رژیم جمهوری برقرار کند؛ اما در اصل هدف او، خارج کردن قدرت از دست قاجاریه بود؛ ازاین‌رو رضاخان دستگاه پلیسی - نظامی و مطبوعاتی خود را برای تحقق این امر بسیج کرد و به سران قشون دستور داد که شهرستان‌ها را جهت طرح شعار جمهوری آماده کنند؛ اما تلاش مردم، علما و آزادی‌خواهان باعث شکست کودتاچیان در طرح تغییر رژیم به نام ایجاد رژیم جمهوری شد. میرزاده عشقی، شاعر جوان و پُرشور این دوره، در قصیده‌ای طرح جمهوری‌خواهی رضاخان را به مسخره گرفت و آشکار ساخت که مدعیان جمهوری‌خواهی تحت این پوشش فریب‌کارانه می‌خواهند دیکتاتوری را در ایران حاکم کنند. شکست رضاخان در اجرای طرح جمهوری قلابی باعث شد او قدم‌های بعدی خود را برای رسیدن به قدرت، حساب‌شده‌تر بردارد. در تیرماه سال ۱۳۰۳ ش. میرزاده عشقی در روز روشن ترور شد و در بیمارستان شهربانی به دیار باقی شتافت. تشییع جنازه وی با تلاش مدرّس، به تظاهراتی سیاسی علیه سردار سپه تبدیل شد.

۲. ۲۲ آذر ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با تغییر ۴ اصل از متمم قانون اساسی، سلطنت را به رضاشاه و اعقاب وی تفویض کرد؛ تصمیمی که سرآغاز تغییر و تحولات زیادی در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی شد.

مجلس مؤسسان، نام مجلسی است که در مواقعی خاص و برای تغییر قانون اساسی مشروطه تشکیل می‌شد. نخستین مجلس مؤسسان در ایران سال ۱۳۰۴ شمسی جهت تغییر اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی وقت تشکیل شد. این اصول که در ارتباط با سلطنت

قاجاریه بود و سلطنت را الی الابد، در آن خاندان قرار می‌داد، توسط مجلس مذکور عوض شد و سلطنت را در خاندان رضاخان موروثی کرد.

پس از تصویب ماده واحده انقراض قاجاریه توسط طرفداران رضاخان در مجلس شورای ملی که در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۴ انجام گرفت، اینک زمان آن فرا رسیده بود که رضاخان تحرکات و تحریکات چند ساله خود را که همه در راه انقراض سلطنت قاجار و تکیه بر سریر سلطنت انجام شده بود، به ثمر رساند. وی با مشورت طرفداران و هوادارانش به این نتیجه رسید که فوری‌ترین اقدامی که می‌تواند به سهولت به امیال وی جامه عمل بپوشاند، تشکیل مجلس موسسان است، امری که تا آن زمان در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بود. بر همین اساس، علی‌اکبر داور از سوی رضاخان مامور تدارک مقدمات تشکیل مجلس موسسان شد.

در جلسه چهارم مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ قانون اساسی مشروطیت را که منحصرًا مربوط به سلطنت قاجاریه بود، به صورت زیر جرح و تعدیل شد: «اصل ۳۶: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس موسسان به شخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ایشان نسلًا بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل ۳۷: ولایتعهد با پسر بزرگ پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد، خواهد بود. در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد، تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی به عمل خواهد آمد مشروط بر آن که ولیعهد از خاندان قاجار نباشد. ولی در موقعی که فرزند ذکور برای پادشاه به وجود آمد، حقا ولایتعهد با او خواهد بود.

اصل ۳۸: در موقع انتقال سلطنت به ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امر سلطنت را متصدی شود که دارای ۲۰ سال شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد نایب‌السلطنه غیر از خانواده قاجار، از طرف مجلس شورای ملی برای او انتخاب خواهد شد. اصل ۴۰: همین طور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب می‌شود، نمی‌تواند متصدی امر شود مگر این که قسم مزبور فوق را یاد کرده باشد.

دومین مجلس موسسان در سال ۱۳۱۸ شمسی برای هموار شدن موضوع ازدواج ولیعهد وقت (محمدرضا پهلوی) با فوزیه، خواهر ملک فاروق پادشاه مصر و تابعیت غیر ایرانی ولیعهد آینده بود که براساس آن، مجلس موسسان تصویب کرد پادشاه می‌تواند تابعیت ایرانی الاصل بودن به اتباع بیگانه اعطا کند، بنابراین به سادگی هر خارجی می‌توانست به فرمان شاه، ایرانی الاصل تلقی شود.

مجلس موسسان بعدی در سال ۱۳۲۸ شمسی برای تغییر اصولی از قانون اساسی در جهت تقویت سلطنت و تضعیف حقوق ملت، مطرح شد و توانست علاوه بر این هدف، یک اصل در خصوص نحوه تجدید نظر در قانون اساسی به آن ملحق کند. بعلاوه مقرر شد که چندین اصل از قانون اساسی (اصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۴۹ متمم) به وسیله مجلس واحد مرکب از مجلس سنا و شورا مورد تجدید نظر قرار گیرد که در ۱۳۳۶ با چند سال تأخیر انجام گرفت.

آخرین مجلس موسسان در ارتباط با اصلاح قانون اساسی رژیم سلطنت در شهریور ۱۳۴۶ مقارن جشن‌های تاجگذاری تشکیل شد. ولیعهد هنوز به سن قانونی سلطنت نرسیده بود و شاه از آن بیم داشت که بین مرگ او و سلطنت ولیعهد فاصله‌ای بیفتد و به فکر افتاده بود که با نیابت سلطنت مادر ولیعهد، این فاصله را پر کند و هم وی صاحب عنوانی در قانون اساسی باشد و هنگام تاجگذاری شاه او هم تاجی بر سر گذارد از این جهت باز هم سراغ تشکیل مجلس موسسان افتادند و اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی را تغییر دادند و مادر ولیعهد عنوان نایب‌السلطنه را پیدا کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی «مجلس خبرگان قانون اساسی» تشکیل شد و اعضای این مجلس که متخصص و کارشناس در مسائل اسلامی یا حقوقی بودند، در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ با انتخابات عمومی برگزیده شدند و سال ۱۳۶۸ نیز برای تجدیدنظر در برخی از اصول قانون اساسی جهت برطرف کردن پاره‌ای از نواقص و مشکلاتی که در برخی اصول وجود داشت و طی سال‌های پس از انقلاب تجربه شده بود با دستور امام خمینی مسأله بازنگری مطرح و اعضای مجلس بازنگری در قانون اساسی توسط رأی مستقیم مردم برگزیده شدند.

• تاج گذاری

شکست مشروطه و تئوری استبداد منور

مجله کاوه می نویسد: راه های پیش روی ایران یکی استبداد منور، مثل پطرکیبر و میکادوی ژاپن است و یا استبداد سنتی و یا مشروطه که مشروطه امکان پذیر نیست و شق اول اولویت دارد.^۳

منابع: (۱- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دکتر سیدجلال الدین مدنی، تهران، نشر همراه، ۱۳۷۰، ص ۳۶/۲- انقلاب اسلامی و چگونگی رخداد آن، جمعی از مولفان، نشر معارف قم، ۱۳۸۰، ص ۵۳/۳- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۳۷. ۴- مقایسه مسأله بازنگری در ۲ قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران، محسن خلیلی، فصلنامه متین، ش ۵/۵- سیروس غنی، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷، صص ۳۸۹ و ۳۹۰/۶- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران: انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله دیکتاتوری پهلوی، تهران: علمی، چاپ چهارم، جلد ۳، ۱۳۷۴، ص ۵۰۳)

۳. چگونه رضاخان، رضاشاه شد و رئیس جمهور نشد؟

حسین سخنور

روی کار آمدن رضاخان و استقبال مردم از سردار سپه، یکبار دیگر اولویت ایرانیان را معرفی کرد؛ نخست امنیت و بعد آزادی خواهی و مشروطه طلبی. سر و کله رضاخان ها هم دقیقاً زمانی در تاریخ ما پیدا شده که کشور مبتلا به امراض کشنده آشوب، تجزیه و ناامنی بوده است. قزاق چکمه پوش نیز در شرایط بی ثباتی، خود را ناجی ایران و منادی امنیت خواند. زمانی که اقوام به جان هم و همه شان به جان حکومت مرکزی افتاده بودند؛ کردهای آذربایجان غربی، شاهسون های شمال آذربایجان و عشایر کهکیلویه فارس، کردهای سنجایی کرمانشاه، قبایل بلوچ جنوب شرق و ایلات لر جنوب غرب، ترکمن های مازندران، کردهای شمال خراسان و اعراب حامی شیخ خزعل در جنوب.

رضاخان و سیدضیا نیز به این خواست عمومی توجه داشتند و در اعلان تشکیل حکومت خود اظهار داشتند که با پایان دادن به تجزیه داخلی، انجام دگرگونی های اجتماعی و نجات کشور از اشغال بیگانگان، عصر احیای ملی را آغاز می کنند. هر چند محققان و مورخان معتقدند باید عوامل دیگری را در تغییر نگرش و فروکش کردن شور آزادی خواهی و مشروطه طلبی مردم در نظر گرفت، گرچه شکست مشروطه و پیامدهای ناگوار آن در این تغییر فکری موثر بود، ولی نباید از موج پیدایش گفتمان های نخبه گرا در اروپای این دوره غافل شد؛ موجی که عاقبت پیدایش دولت های فاشیست در فاصله بین دو جنگ جهانی را در پی داشت. روشنفکران جوان ایرانی نیز که همواره نگاهی به غرب داشتند از تاثیرهای این موج بی نصیب نماندند. (اسلام سیاسی در ایران، سید محمد علی حسینی زاده) البته باید یادآور شد با افول مشروطه، رهبری اجتماعی و سیاسی از علما به روشنفکران جوان منتقل شده بود. نظریه مشروطه را عالمان دینی بسط داده بودند اما با تغییر شرایط و با کنار رفتن آنان، روشنفکران جوان سرخورده از مشروطه، سردمداری تفکر سیاسی را به عهده گرفته بودند. غرب، سکولاریسم، دیکتاتوری مصلح و ناسیونالیسم، مهمترین نشانه های گفتمان این روشنفکران بود. مجله کاوه، مهمترین ارگان روشنفکری این دوره نیز به تبلیغ این اصول می پرداخت و «استبداد منور» را به عنوان تنها راه حل مشکل های موجود تلقی می کرد. در یکی از مقالات این روزنامه آمده است: «راه های پیش روی ایران یکی استبداد منور، مثل پطرکیبر و میکادوی ژاپن است و یا استبداد سنتی و یا مشروطه که مشروطه امکان پذیر نیست و شق اول اولویت دارد.» توجه به جمله "مشروطه که امکان پذیر نیست"، گویای همه چیز و روشن کننده تمامی شرایطی است که در آن شرایط رضاخان تبدیل به رضاشاه می شود.

ایران‌شهر از دیگر مجله‌های روشنفکری آن زمان که کاظم زاده ایران‌شهر در برلین آن را منتشر می‌کرد و در آن روشنفکرانی همچون قزوینی، رضازاده شفق، رشید یاسمی، اقبال آشتیانی، مشفق کاظمی و پورداوود قلم می‌زدند، مشابه نظر فوق و در حمایت از «دماغ مصلح» یا «دیکتاتور منور» می‌نویسد: «یک نفر مصلح، یک دماغ منور و فکر باز لازم است که هر روز صبح به زور درب منزل ما را جاروب کند، چراغ کوچه‌های ما را به زور روشن کند، وضع لباس ما را به زور یک نواخت نماید. معارف ما را به زور اصلاح کند. از فتنه‌های مجلس ملی ما به زور جلوگیری کند، دربار سلطنتی ما را به زور اصلاح و تصفیه نماید، عمده خلوت آن را به زور از اشخاص منورالفکر بگمارد، مستخدمین بی‌هنر ادارات را به زور اخراج نماید، چرخ ادارات را به زور به راه بیندازد، مداخلات روحانیان را در امور سیاسی و سیاسیون را در امور روحانی به زور جلوگیری نماید، مجلس شورا را به زور به اشخاصی انتخاب نماید که فی‌مابین انستیتو پاستور و اصطبل و قهوه‌فرق گذارند. فقط یک دیکتاتور مصلح نیاز است که به زور، سعادت و ترقی را بر ما تحمیل نماید.» در این مقاله نیز تعدد عبارت «به زور» قابل توجه است، بطوریکه در کمتر از ده سطر، بیشتر از ده بار این واژه تکرار شده است و جالب آنکه در آخر، مجلس هم از این توصیه نویسنده بی‌نصیب نمی‌ماند و آرزو می‌کند تنها نهاد انتخابی کشور، «به زور» به دست «دیکتاتور مصلح» تعیین شود. اما نکته جالبتر آن که نویسنده این نوع مقاله‌ها، نظامیان و خان و خانداده‌ها نیستند بلکه روشنفکرانی هستند که علی‌القاعده می‌بایست پاسخ دهندگان به این مقالات باشند.

در چنین فضایی است که رضاخان در آبان ۱۳۰۴ با تشکیل مجلس موسسان سلسله قاجار را خلع کرد و خود بر تخت سلطنت نشست و در فروردین ماه سال بعد رضاخان با لباس نظامی و جواهرات سلطنتی، به شیوه سرمشق خود، ناپلئون تاجگذاری کرد و خود را شاهنشاه ایران خواند و تبریزی‌ها که در برقراری مشروطه مجاهدان و سرداران بزرگی را فدا کرده بودند با مخابره تلگرافی به تهران تهدید کردند که آذربایجان از ایران جدا می‌شود مگر آن که مجلس رضا پهلوی را جایگزین احمد شاه سازد. لازم به ذکر است در همین فضا، افرادی چون مصدق مخالف این امر بودند و اظهار می‌داشتند: «رضا پهلوی نخست وزیر و فرمانده نظامی ممتازی است اما هرگونه سمت جدیدی او را به صورت تهدیدی برای مشروطه نوپا در می‌آورد» اما این مخالفت‌ها در جمهوری خواهی رضاخان، به گونه‌ای دیگر مطرح بود و کسانی چون عشقی و عارف که پیشتر در مدح رضاخان می‌گفتند و می‌سرودند، جمهوری رضاخانی را قلبی خواندند. در مجلس (مجلس پنجم) نیز اقلیتی به رهبری مدرس حضور داشتند که مخالف رضاخان و طرفداران وی بودند.

رضاخان متأثر از مصطفی کمال در ترکیه سعی در تغییر جامعه سنتی و پیگیر نوسازی غربی داشت و مدل جمهوری را برای تحقق این اهداف مناسب می‌دانست. اما به نظر برخی از مورخان (پرواند آبراهامیان) مصطفی کمال و رضاخان از یک جنبه مهم با هم تفاوت داشتند. مصطفی کمال آگاهانه پشتیبانی پرشور روشنفکران را به سوی حزب جمهوری‌خواه سوق داد در حالیکه رضاشاه نتوانست جمهوریت و فایده و ضرورت آن را درست تبیین کند، به همین دلیل از ابتدا نسبت به جمهوری رضاخانی بدبینی به وجود آمد و برخی آن را طرح انگلیسی می‌دانستند و برخی آن را زمینه ساز دیکتاتوری. ملک الشعرای بهار که خود در بحث جمهوری خواهی در مجلس پنجم جزء اقلیت محسوب می‌شد، معتقد بود: «موافقت سردار سپه با جمهوری، اسباب تردید مردم شده است و مردم نتیجه چنین جمهوری را دیکتاتوری رضاخان می‌بینند.» (تاریخ مختصر احزاب سیاسی) اقلیت مجلس به دلیل اعتقادی که به مشروطیت و قانون اساسی داشتند و رژیم مشروطه را با توجه به اوضاع آن روز کشور مناسبتر از جمهوری می‌دانستند، با جمهوری رضاخانی به مخالفت پرداختند و تغییر رژیم مشروطه به جمهوری را غیر ضروری می‌دانستند. از نظر مخالفان، مشروطه برای ایران کافی و وافی و حمایت از آن به منزله حمایت از آزادی بود. به اعتقاد آنان کسانی که واقعاً طالب پیشرفت و آزادی ایران بودند می‌بایست تلاش خود را در راستای تکامل و اجرای کامل مشروطیت و قانون اساسی به کار گیرند، نه اینکه درصدد انهدام آن برآمده و به تبلیغ جمهوریت بپردازند.

البته اتفاق دیگری در مجلس پنجم رخ داد که در جریان شکست جمهوری رضاخانی موثر بود و آن سبلی حکایت دار حسین بهرامی به مدرس بود، سبلی ای که جریان را تغییر داد و افکار عمومی را به نفع اقلیت میل داد. دعوائی که بر سر اعتبار نامه میرزا هاشم آشتیانی از رهبران اقلیت آغاز شد. مدرس در دفاع از آشتیانی و در پاسخ به اکثریت، تدین عضو فراکسیون تجدد را مخاطب قرار داد و گفت تدین

می کوشد جنگ بیرون از مجلس را که عبارت از جمهوری خواهی است و همه تلاش ها و سینه چاک کردن ها برای آن است، به درون مجلس بکشانند. تدین هم تمام حرف های مدرس را اشتباه دانست و تاکید کرد که وی حرف های خصوصی خود را مطرح می کند و او باید سخنان خود را پس بگیرد. مدرس نیز برداشت های تدین را غلط ارزیابی کرد و گفت اگر انتخابات تهران مشکل داشته باشد، به دلیل اینکه دارای یک رویه مشخص است به همه نمایندگان پایتخت مربوط می شود نه به شخص آشتیانی. در این هنگام تدین با تحکم گفت نوبت تو نیز به زودی فرا می رسد. مدرس پاسخ داد که بنده و آشتیانی و صدتن امثال بنده فدای این جنگ های بیرونی می شویم. در پی ادامه بحث، تدین از صندلی خود بلند شد تا از مجلس خارج شود و با اشاره او فراکسیون تجدد و نیز موتمن الملک، رئیس مجلس از جا برخاست و مجلس را به تنفس فراخواند. پس از آنکه جلسه تعطیل شد، نمایندگان فراکسیون ها به اتاق های فراکسیون خود رفتند. اما مدرس به عنوان سخنگوی اقلیت، باقی مانده نطق خود را در اتاق تنفس ایراد کرد و ظاهراً به دلیل حمله ای که به رضاخان کرد، بهرامی در حالی که نمایندگان فراکسیون های مختلف در حال بحث و تبادل نظر بودند، به تحریک تدین، سیلی محکمی به صورت مدرس نواخت که از شدت آن عمامه مدرس بر زمین افتاد. به تعبیر حسین مکی، «صدای این سیلی مانند رعد در تهران و اطراف آن منعکس و پراکنده شد.»

به موازات مبارزات پارلمانی علیه جمهوری خواهی رضاخانی، نویسندگان و شعرا بی بودند که تمام همت خود را صرف روشن ساختن ابعاد مختلف این طرح می کردند. بخش عمده ای از آنان پشت پرده اعلام جمهورییت از سوی رضاخان را انگلستان می دانستند و این نوع جمهورییت را هموار کننده راه نفوذ بیگانه تلقی می کردند. از شاخص ترین آثار در این حوزه نثرها و نظم های میرزاده عشقی است که در یکی از اشعار خود می گوید:

حقیقت بارک الله چشم بد دور مبارک باد این جمهوری زور
از این پس گوشها کر چشمها کور چنین جمهوری بر ضد جمهور
ندارد یاد کس در هیچ اعصار نباشد هیچ در قوطی عطار
دریغ از راه دور و رنج بسیار

...

از این افکار مآخولیائی به مجلس اکثریت شد هوائی
«تدین» کرد خیلی بی حیائی بیک دم بین افرادش جدائی
فتاد از یک هجوم نابهنجار از آن سیلی که خورد آن مرد دین دار
دریغ از راه دور و رنج بسیار

در مجموع در جریان جمهوری خواهی حجم وسیع مخالفت ها تا حدی بود که رضاخان متوجه شد اقلیت قوی مجلس، برخی از روشنفکران، علما و عموم مردم به تبع علما با جمهوری مخالفند، لذا عقب نشینی کرد و اعلام کرد که هدفش همواره حفظ اسلام و رعایت احترام روحانیت بوده و هست و بنا به خواست علما و طی دیداری که رضاخان در ۶ فروردین ۱۳۰۳ با تعدادی از علما و مراجع داشت، قول لغو طرح جمهوری را داد و پس از آن تقاضا کرد که دیگر در اطراف این موضوع سخنی گفته نشود. علما نیز در مقابل، با صدور بیانیه ای از او تشکر کردند. در این جریان، اعتبار رضاشاه بویژه پس از درگیری سربازان با مردم معترض در بیرون از مجلس، به شدت خدشه دار شد و او برای مدتی ناامیدانه با حالت قهر به رودهن رفت ولی پس از آشوبی که طرفدارانش به راه انداختند، نمایندگان مجلس با احترام او را از رودهن بازگرداندند و با اکثریت بالایی دوباره به نخست وزیری اش رای دادند. دریافت تصویر امام علی و تبلیغاتی که پشتیبانان رضاخان به راه انداختند، در بازسازی اعتبار و آبروی خدشه دار شده او بسیار موثر افتاد و مقبولیت او را افزایش داد.

نکته پایانی این که امروز برخی از صاحب نظران معتقدند که مخالفت ها با جمهوری خواهی رضاخانی نه تنها نفعی برای ما نداشت بلکه طرح شعار جمهورییت را به بیش از نیم قرن به تعویق انداخت. اما نکته جالب توجه در این خصوص بخشی از خاطرات عین السلطنه

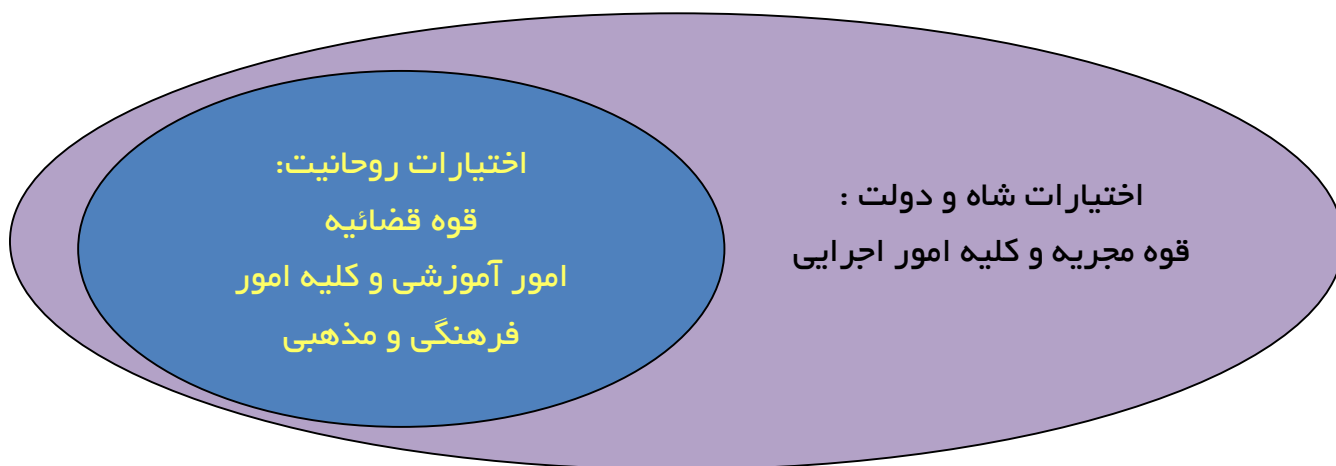
مجله ایرانشهر^۴ می‌نویسد: «در حمایت از «دماغ مصلح» یا «دیکتاتور منور» می‌نویسد: «یک نفر مصلح، یک دماغ منور و فکر باز لازم است که هر روز صبح به زور درب منزل ما را جاروب کند، چراغ کوچه های ما را به زور روشن کند، وضع لباس ما را به زور یک نواخت نماید. معارف ما را به زور اصلاح کند. از فتنه های مجلس ملی ما به زور جلوگیری کند، دربار سلطنتی ما را به زور اصلاح و تصفیه نماید، عمده خلوت آن را به زور از اشخاص منورالفکر بگمارد، مستخدمین بی‌هنر ادارات را به زور اخراج نماید، چرخ ادارات را به زور به راه بیاندازد، مداخلات روحانیان را در امور سیاسی و سیاسیون را در امور روحانی به زور جلوگیری نماید، مجلس شورا را به زور به اشخاصی انتخاب نماید که فیما بین انستیتو پاستور و اصطبل و قهوه فرق گذارند. فقط یک دیکتاتور مصلح نیاز است که به زور، سعادت و ترقی را بر ما تحمیل نماید.»

ب. دین و دولت در عصر پهلوی

وضعیت دین و دولت را در سه سلسله پادشاهی صفویه، قاجار و پهلوی به این صورت بوده است:

۱. صفویه

اختیارات تام حکومت برای شاه و واگذاری برخی اختیارات به روحانیت

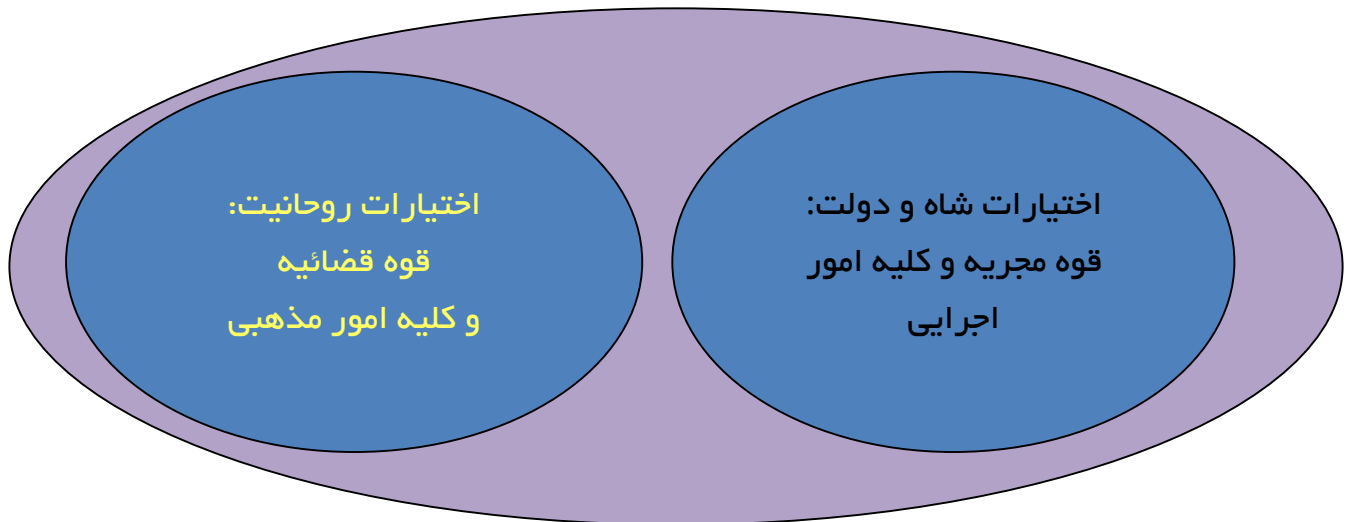


(قهرمان میرزا سالور) است، که خود از مخالفان جمهوری رضاخانی بود. او ضمن قلابی خواندن غائله جمهوری رضاخانی و حامیان انگلیسی او و با اشاره به ناکامی آن، از مردم کشور تمجید می‌کند که موجبات عقیم ماندن این طرح ایدائی را فراهم آوردند. سپس پیرامون این جمهوری خواهی کذابی می‌نویسد: «این وقایعی را که من تا اینجا از این نهضت دروغی جمهوری نوشتم اگر در یک کتابی که از صد سال قبل تحریر می‌شد، بود و ما امروز می‌خواندیم چه می‌گفتیم، جز آن که به همچو مملکتی، به همچو ملتی، به همچو بزرگ و کوچکی طعن و لعن نمائیم. چیز دیگری شایسته آن مملکت و آن قوم بود؟ حالا هم ای کسانی که بعدها این وقایع را می‌خوانید (قرائت می‌کنید) به شما اجازه می‌دهیم و حلال می‌کنیم که هر چه دشنام و فحش و سقط و بداهت درباره ما بگوئید ما سزاوار آن هستیم.»

۴. ایرانشهر از مجله های روشنفکری آن زمان که کاظم زاده ایرانشهر در برلین آن را منتشر می‌کرد و در آن روشنفکرانی همچون قزوینی، رضازاده شفق، رشید یاسمی، اقبال آشتیانی، مشفق کاظمی و پورداوود قلم می‌زدند.

۲. قاجار پیش از مشروطه

محدود کردن اختیارات شاه و دولت به چارچوب قانون و شرع



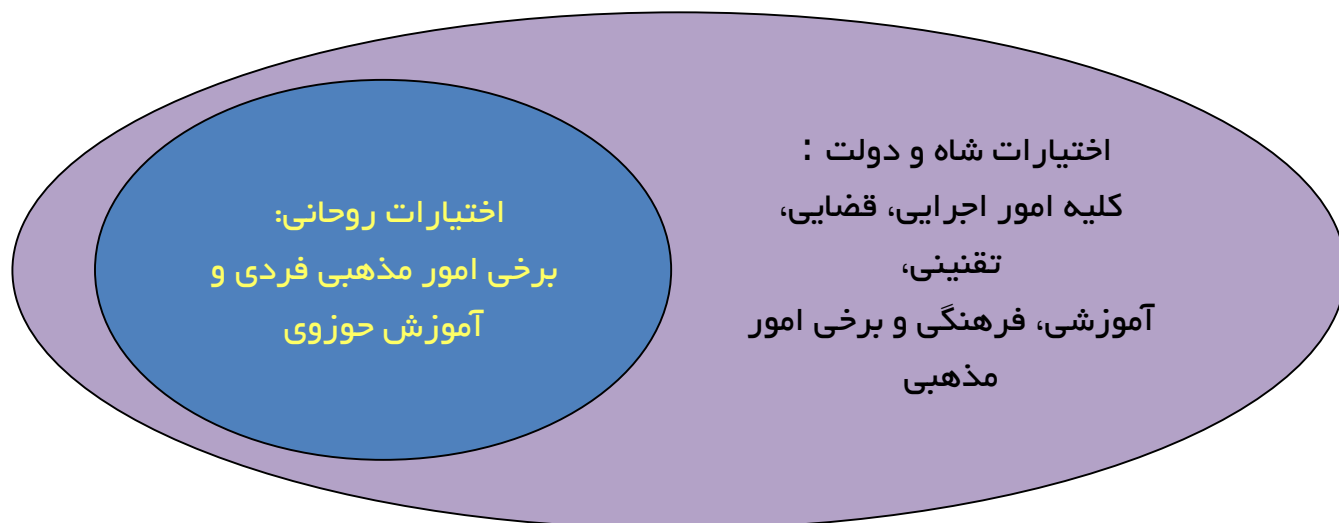
۳. قاجار پس از مشروطه

محدود کردن اختیارات شاه و دولت به چارچوب قانون و شرع



۴. پهلوی

اختیارات تام حکومت برای شاه و دولت و رها کردن برخی اختیارات محدود در دست روحانیت



ج. اقدامات رضاخان

اهداف سیاست‌های فرهنگی رضاخان عبارت بود از:

۱. غرب‌گرایی
۲. باستان‌گرایی
۳. اسلام‌زدایی

اقدامات تجددخواهانه رضاخان عبارت بود از:

۱. تغییر و تحولات فرهنگی

- ۱- تغییر پوشش مردان و کشف حجاب زنان؛
- ۲- انجمن وضع لغات ۱۳۱۱ش و فرهنگستان زبان فارسی؛
- ۳- سازمان پرورش افکار ۱۳۱۷ش؛
- ۴- کنگره‌های باستان‌گرایانه؛

۵- جشن هزاره فردوسی.

۲. تغییر و تحولات قضایی

هدف: تضعیف روحانیون، جلب رضایت دولتهای خارجی و کسب وجهه برای رژیم به جهت لغو کاپیتولاسیون

۱- انحلال عدلیه قدیم و افتتاح عدلیه دنیاپسند (۱۳۰۶ ش)؛

۲- الغای کاپیتولاسیون؛

۳- جایگزینی قضات جدید به جای روحانیون؛^۵

۴- تدوین قوانین ترکیبی؛

۳. تغییر و تحولات آموزشی

هدف: ایجاد روحیه ملی‌گرایی، شاه‌دوستی و غرب‌گرایی و کوتاه کردن دست روحانیون

۱- اعزام محصل به خارج؛^۶

۲- استخدام معلمین خارجی؛

۳- بازنویسی کتب درسی؛

۴- ممنوعیت تدریس قرآن و شریعات در مدارس؛

۵- مدارس دخترانه و مختلط؛^۷

۶- مدارس خصوصی و بیگانه.

۵. داور درباره حذف افراطی روحانیون گفته بود «ما عدلیه را ساختیم با جوانان تحصیلکرده ولی در عمل لنگ ماندیم و هر قدر از این وزارتخانه و آن وزارتخانه اشخاص را انتقال دادیم بازهم درست نمی‌رآمد، بالاخره ناچار شدیم باز رفتیم به سراغ همان کهنه‌ها که در مدارس صدر و دارالشفا و مدرسه مروی سالها برای تحصیل حصیر پاره می‌کردند. ولی با یک تفاوت که آن وقت هر کدام به ماهی پنجاه شصت تومان و فوقش صد تومان قانع بودن و در نهایت علاقه و ایمان کار می‌کردند حالا که به سراغشان رفته و به کار دعوتشان می‌کردیم می‌گفتند همان حقوقی که به سایرین می‌دهید برای ما همه منظور بدارید و الا نمی‌پذیریم. البته ناگزیر از قبول بودم، باری اینکه چیزی نمانده بود که چرخ‌های دادگستری دنیاپسند از کار بازماند» (حسن اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۲ ص ۲۰۰-۲۰۱)

۶. پس از کودتا به خواست رضاخان پنجاه نفر برای معلمی و افسری ارتش نوینادبه فرانسه اعزام شدند. مطابق لایحه ۱۳۰۷ مقرر شد تا شش سال هر سال ۱۰۰ نفر به خارج اعزام شوند. در ظرف ۶ سال ۶۴۰ نفر به اروپا اعزام شدند. بیش از تمامی محصیل اعزام شده در دوره ۱۲۰ ساله قاجار این غیر از محصلینی بود که برخی وزارتخانه‌ها برای احتیاجات خود به خارج می‌فرستادند.

۷. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند. تا سن ۱۴ سالگی و پایان دوره ابتدایی و به صورت مختلط درس بخوانند. بعدها اختلاط به دبیرستان‌ها نیز کشید که اجرایی نشد.

پهلوی دوم

مهم‌ترین مسائل پس از شهریور ۱۳۲۰

۱. اشغال ایران و نفوذ سفارت‌خانه‌های خارجی در حکومت؛^۸

۲. غائله آذربایجان و کردستان؛^۹

۸. ۵ شهریور ۱۳۲۰ ایران توسط قوای متفقین اشغال شد. در آذر ۱۳۲۲ کنفرانسی از سرای سه کشور شوروی، انگلیس و آمریکا در تهران بدون هماهنگی با ایران تشکیل شد. قحطی، بیماری و نابسامانی بر ایران حاکم شد. کابینه‌ها یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند طی چهار سال ۹ کابینه روی کار آمدند.

۹. در فروردین سال ۱۳۲۴ ش. هواداران حزب توده، تحرکات تجزیه‌طلبانه‌ای را در آذربایجان آغاز کردند. در کنار حزب توده، حزب سیاسی جدیدی به نام «فرقه دموکرات آذربایجان» در شهریور سال ۱۳۲۴ ش. تأسیس شد. این حزب خواستار خودمختاری آذربایجان بود. این تقاضا با توجه به زمینه‌های فعالیت شوروی در منطقه آذربایجان، معنایی جز تجزیه این قسمت از خاک میهن ما از تمامیت ارضی ایران نداشت. حزب توده نیز، ظاهراً دفتر خود را در آذربایجان تعطیل کرد و همه امکانات حزب به فرقه دموکرات منتقل شد. این فرقه نقش ستون پنجم شوروی را در آذربایجان به عهده گرفت و به صورت علنی از ارتش سرخ شوروی و سیاست‌های آن حمایت کرد. در آبان سال ۱۳۲۴ ش. در آذربایجان درگیری‌هایی بین نیروهای دولتی و دسته‌های مسلح فرقه دموکرات و قفقازی‌های مهاجر از شوروی که درحقیقت سربازان ارتش سرخ در لباس غیر نظامی بودند، اتفاق افتاد. روس‌ها به توزیع سلاح بین اعضای فرقه دموکرات و مهاجران قفقازی پرداختند و با پشتیبانی ارتش سرخ، پادگان تبریز خلع سلاح شد. دسته‌های مسلح در خطوط ارتباطی تلفن و تلگراف بین تهران، تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان اختلال ایجاد کردند و سرانجام، شهرهای سراب و میانه را اشغال کردند. دولت ایران در ۲۸ آبان سال ۱۳۲۴ ش. یک ستون از نیروهای ارتش و ژاندارم را برای تقویت پادگان تبریز به آن منطقه فرستاد؛ اما این ستون نظامی را ارتش شوروی در شریف‌آباد قزوین متوقف کرد.

فرقه دموکرات با تأسیس مجلس مؤسسان و مجلس ملی آذربایجان، عملاً سیاست تجزیه آذربایجان از خاک ایران را آشکار ساخت و در ۱۲ آذر ۱۳۲۴ ش. دولت تجزیه‌طلب به نخست‌وزیری پیشه‌واری، سرکرده فرقه دموکرات تأسیس شد. در پی این جریان، شوروی انجمن فرهنگی کردستان و شوروی را تأسیس کرد و فرقه دیگری به نام فرقه دموکرات در کردستان تشکیل داد که با همان سیاست‌های شبیه آذربایجان به دنبال یافتن راهی برای تجزیه منطقه کردستان از خاک ایران بود.

سرانجام غائله آذربایجان و کردستان که به بحران بزرگی تبدیل شده بود و ممکن بود باعث تجزیه این دو بخش از خاک سرزمین ایران شود، با ترفند دولت وقت ایران مبنی بر دادن وعده امتیاز نفت شمال به روس‌ها خاتمه یافت. با خروج نیروهای شوروی از ایران، نیروهای

۳. مسئله نفت.

اصول فعالیت نیروهای مذهبی پس از رضاخان

۱. مبارزه با کسروی گرایی؛^{۱۰}

۲. مبارزه برای حجاب؛^{۱۱}

۳. مبارزه با مارکسیسم و الحاد؛^{۱۲}

ارتش در ۲۰ آذر حمله گسترده‌ای را به مواضع حزب دموکرات آغاز کردند. سران فرقه به شوروی گریخته و باقی‌ماندگان اعضای آن را نیروهای دولتی دستگیر کردند. با سیاست‌های انگلستان و آمریکا مبنی بر جلوگیری از نفوذ روس‌ها در منطقه حساس خلیج فارس و ایران از یک طرف و تغییر سیاست‌های شوروی در بسط منطقه نفوذ در اروپا از طرف دیگر، در ۲۰ آذر سال ۱۳۲۵ ش. غائله آذربایجان با حمله به مراکز و دفاتر فرقه دموکرات و دستگیری عناصر آن به پایان رسید.

۱۰. راه کسروی حرکتی بود که از دوره رضاخان توسط افرادی چون سید اسدالله خرقانی، شریعت سنگلجی آغاز شده بود. کتاب شیعیگری کسروی و اسرار هزارساله حکمی زاده پس از مراجعت حاج اقا حسین قمی به ایران نوشته شد.

اقدام صریح کسروی در نقد تشیع و اسلام از یک سو و رفتارهای تند و خشن قلمی و نیز اخلاقی وی از سوی دیگر سبب برانگیختن مذهبی‌ها شد. کرباسچیان می‌گویند مبارزه با کسروی برای دفاع از ساحت اسلام یک نیروی خفته را در ما زنده کرد یا انرژی مذهبی قدرتمند که خودمان از وجودش آگاه نبودیم

البته رفتارهای ناهنجار کسروی با ادبیات فارسی و متون کهن موقعیت او را در میان اقشار با سواد و تحصیل کرده نیز تضعیف می‌کرد. کارهای تاریخی اش نقطه قوت او بود.

حکمی زاده داماد پدر مرحوم طالقانی نیز کتابی با عنوان اسرار هزارساله نوشت و در سیزده سوال اعتقادات شیعه را زیر سوال برد. او در ابتدای کتابش نوشته بود پیشوایان دینی ما آنچه تا کنون گفته اند و نوشته اند تنها به قاضی رفته اند و دیگران هم یا جرأت نداشته اند در برابر سخنی بگویند و یا اطلاع اینک من می‌گویم این چیزی را که شما دین نام نهاده اید نود و پنج درصدش گمراهی است و برای اثباتش حاضرم

این کتاب در شهریور و مهر ۱۳۲۲ تألیف شد و همراه با شماره ۱۲ نشریه پرچم کسروی منتشر شد. بعد کتاب شیعیگری کسروی منتشر شد.

کتاب کشف اسرار امام در پاسخ به حکمی زاده نوشته شد.

۱۱. حاج اقا حسین قمی در سال ۱۳۲۲ به ایران بازگشت و با استقبال با شکوه مردم و روحانیون در همه شهرها روبرو شد. پس از بازگشت نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت سهیلی نوشت و درخواست لغو قانون اجباری بودن کشف حجاب را کرد. دولت این درخواست را تصویب کرد.

۱۲. حزب توده یکی از پرنفوذترین احزاب پس از شهریور ۱۳۲۰ بود. ۱۳ روز پس از رضا شاه این حزب تأسیس شد. ۲۷ عضو آن همان گروه ۵۳ نفری بودند که در دوره رضا شاه به زندان افتادند. اعضای حزب به سرعت زیاد شدند از ۶ هزار نفر در ۱۳۲۱ به ۲۵ هزار در ۲۳ و ۵۰ هزار و ۱۰۰ هزار در ۲۵ رسیدند. تنها حزب بزرگ سازمان یافته کشور بود. حاکمیت هم بر اساس وابستگی اش به اردوگاه غرب مخالف با مارکسیسم بود و آن را رقیب جدی خود می‌دید

۴. مبارزه با بهائیان؛^{۱۳}

۵. حمایت از فلسطین.

مسئله نفت و نهضت ملی

- مجلس چهاردهم و پانزدهم
- دیکتاتوری جدید محمد رضا پس از سفر به انگلیس (۱۳۲۶ش)^{۱۴}
- مجلس شانزدهم و ملی شدن صنعت نفت^{۱۵}
- ترور رزم آرا توسط فدائیان اسلام (۱۳۲۹ش)
- نخست وزیر مصدق (۱۳۳۰ش)
- تحریم ایران توسط انگلیس
- قیام ۳۰ تیر (۱۳۳۱ش)
- دوره دوم حکومت مصدق
- کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ش)

علل و عوامل اصلی افول نهضت نفت

۱. عدم وجود رهبری واحد؛
۲. ناهماهنگی اهداف و خواسته‌های رهبران نهضت؛
۳. تفکیک دین از سیاست و منزوی کردن نیروهای مذهبی؛
۴. دامن زدن به اختلافات و جوسازی‌های سیاسی توسط عناصر نفوذی و عوامل دربار؛
۵. عدم شناخت دقیق دشمن و امکان فعالیت آزاد شبکه‌های جاسوسی انگلیس آمریکا و شوروی.

دهها عنوان کتاب طی ۳۷ سال از شهریور ۱۳۲۰ تا ۵۷ نگارش یافت. البته اوج این فعالیت‌ها در دهه ۳۰ و دهه ۵۰ بود از جمله کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم. رژیم نه تنها با انتشارات دینی موافقت می‌کرد بلکه رادیو را نیز در خدمت آنان قرار می‌داد. ۱۳. این مبارزه از ۱۳۲۳ اوج می‌گیرد و جنبه سیاسی هم پیدا می‌کند مبارزه با بهائیت به نوعی مبارزه با حکومت نیز محسوب می‌شد. ۱۴. شاه پس از بازگشت در نطقی خطاب به نمایندگان مجلس گفت که باید دست به اصلاحاتی از بالا زد و الا دچار اصلاحات از پایین خواهیم شد. پیرو این لایحه مجلس سنا را به مجلس داد. همچنین در اسفند ۱۳۲۷ با تشکیل مجلس مؤسسان حق انحلال مجلسین را به دست آورد.

۱۵. دولت قصد داشت با تعلل در برگزاری انتخابات مجلس فرمایشی ایجاد کند اما با هوشیاری مردم و اعتصاب مصدق و همراهان در دربار و نیز ترور هژیر دست اندرکار تقلب در انتخابات توسط فدائیان اسلام این کار به نتیجه نرسید. انتخابات تهران ابطال شد و دوباره برگزار شد.

ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد

- اعدام نواب و یارانش (۱۳۳۴ ش)
- تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) (۱۳۳۵ ش)
- رحلت آیت الله بروجردی و کاشانی (۱۳۴۰ ش)
- طرح اصلاحات ارضی^{۱۶}
- لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۱۳۴۱ ش)
- انقلاب سفید شاه (۱۳۴۱ ش)^{۱۷}
- محرم ۴۲ و قیام ۱۵ خرداد
- احیای کاپیتولاسیون (۱۳۴۳ ش)
- تبعید امام ۱۳ آبان ۴۳ درس ولایت فقیه (۱۳۴۸ ش)

جرقه‌های انقلاب

- مرگ مشکوک حاج اقا مصطفی
- مقاله توهین آمیز درباره امام (آذر ۵۶)
- قیام ۱۹ دی مردم قم
- اربعین شهدای مردم قم
- فرار شاه از ایران (۲۶ دی ماه ۵۶)
- بازگشت امام و انقلاب

۱۶. در اثر این طرح سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی از ۳۲ درصد در سال ۳۸ به ۹ درصد در سال ۵۶ رسید.

۱۷. اصول ششگانه انقلاب عبارت بودند از: ۱. الغای رژیم ارباب رعیتی ۲. تصویب لایحه قانونی ملی کردن جنگلها ۳. فروش سهام کارخانه‌های دولتی ۴. سهم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی ۵. اصلاح قانون انتخابات ۶. ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی